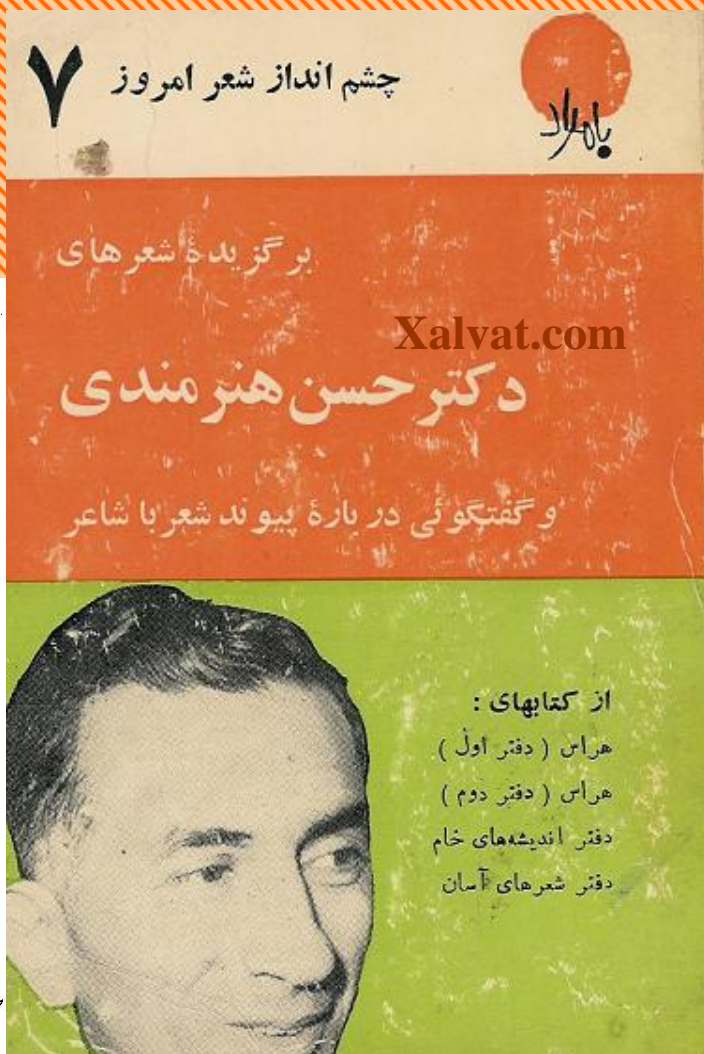




چندشعر از : حسن هنرمندی

(همراه با کارنامه های " زندگی " و " ادبی " او)

به انتخاب : م. ایل بیگی



Hassan Honarmandi
 Docteur de l'Université de Paris
 Professeur à l'Université de Téhéran

Choix de Poèmes

Xalvat.com 1971

Editions Bâmdâd

Tous droits réservés

Copyright by Dr Hassan Honarmandi 197



کارنامهء زندگی حسن هنرمندی

۱۳۰۷ شمسی - تولد حسن هنرمندی درمرجان

۱۳۱۱ - کوچ به ساری

۱۳۲۰ - آغازتحصیل دردبیرستان

۱۳۲۳ - نخستین سفر به تهران - آشنائی بانیم ، مطالعهء بوف کورهدایت وافسانهء نیما برای باراول

۱۳۲۵ - دیپلم پنجم متوسطه - شاگرداول دانشسراهای مازندران ، مدال علمی ، آغازچاپ نوشته وشعر درمطبوعات تهران

۱۳۲۶ - کوچ به تهران

۱۳۲۷- آغاز همکاری نزدیک بامطبوعات تهران - ترجمه از عربی - دانشجوی هنرپیشگی

۱۳۲۸ - دانش آموز سال ششم بخش فرانسه ء دبیرستان رازی

۱۳۲۹ - ورود به دانشگاه تهران - دانشجوی رشتهء فرانسه

۱۳۳۰- نخستین سفر به اروپا ازراه عراق ، سوریه ، لبنان ، مصر ، ایتالیا ، فرانسه - دانشجوی کلاس آمادگی پزشکی پاریس

۱۳۳۲ - بازگشت به ایران - همکاری با مطبوعات ، ترجمه اززبانهای عربی وفرانسه

۱۳۳۳ - سردبیر ماهنامهء سخن (دورهء پنجم)

۱۳۳۴- ترجمهء همسران هنرمندان اثر آلفونس دوده

««««»»»» مائده های زمینی شاهکار ژید



۱۳۳۵- «««« سکه سازان ««««

۱۳۳۶- نگارش " از رمانتیسیم تا سوررئالیسم "- بحث جدی در این کتاب درباره نظریات نیما یوشیج و پیوند آن با شعر فرانسه

۱۳۳۷- چاپ نخستین مجموعه " هراس " ، ترجمه آلیس درسرزمین عجایب ، شاهکار لوئیس کارول

۴۲- ۱۳۴۰- بنیاد برنامه **صدای شاعر** در رادیو تهران برای دفاع و ترویج جلوه های سالم **شعر نو**

۴۶ - ۱۳۴۲ - دومین سفر به کشور فرانسه و اقامت پنجساله در آن سرزمین - سخنرانی در کنگره ژیدشناسان درباره تاثیر ادبیات فارسی در آثار ژید (شهریور ۴۳)

دریافت دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه پاریس " سوربن " بدرجه ممتاز (بهمن ۴۶)

آشنائی و دوستی با پروفیسور رات یامبل ، پروفیسور گوپه ، پروفیسور گاندی پاک ، ژان فولن شاعر ، مارسل آرلان نویسنده و عضو فرهنگستان فرانسه و چندتن دیگر از نامداران ادب بارآور فرانسه .

۱۳۴۶- بازگشت به ایران (پایان بهمن ۴۶)

۴۸ - ۱۳۴۷- بنیادگذاری برنامه " سفری در رکاب اندیشه " در رادیو ایران برای نشان دادن ارزش و تاثیر ادبیات کهنسال فارسی در جهان امروز (از آذر ۴۷ تا پایان مهر ۴۸)

تدریس درانجمن فرهنگی فرانسه (از فروردین ۴۷ تا تیر ۴۸)

تدریس ادبیات تطبیقی در دانشگاه تهران (از آذرماه ۴۷ بعد...)

انتشار دوباره مائده های زمینی با پژوهشهای تازه بمناسبت صدمین سال تولد آندره ژید (بهمن ۴۷)

۱۳۴۸- چاپ دوم **هراس** با ۵۴ قطعه تازه

۱۳۴۹- چاپ دوم سکه سازان با افزوده های بسیار- چاپ " **آندره ژید و ادبیات فارسی** " نخستین اثر علمی به فارسی در زمینه ادبیات تطبیقی ایران و فرانسه .

۱۳۵۰- چاپ دوم " شام طولانی کریسمس " و " کتک خورده و راضی " بایک پیشگفتار تطبیقی .

چاپ " برگزیده شعرها " در چشم انداز ضرامروز [...] - چاپ سوم مائده ها ، چاپ دوم " آلیس " و " بنیادشعر نو در فرانسه " ترجمه و چاپ **محاکمه** اثر کافکا ...

*

هنوز بدم ازدواج نیفتاده است [و تا پایان عمر هم نیفتاد] ومی گوید : " تا درسرزمین ما دختران همچون کالا با بهای سرسام آور خیالی پیشفروش می شوند و کابین های نپرداخته و نپرداختنی پشتوانه خوشبختی خانواده ها بشمار میرود این تنهائی فعال من ادامه خواهد یافت.

کارنامه ادبی حسن هنرمندی



آثار انتشار یافته (محل انتشار : تهران)

شعر فارسی

هراس مجموعه ۷۱ شعر با تحلیلی از دکتر محسن هشترودی ، چاپ اول سال ۱۳۳۷ ، ناشر : گوینده (نایاب)

هراس در صدویک قطعه (چاپ دوم با ۵۴ قطعه تازه) سال ۱۳۴۸

برگزیده شعرها ، چاپ جیبی بامداد ، سال ۱۳۵۰

ترجمه به شعر فارسی

زورق مست از رمبو ، ماهنامه صدف شماره ۷ اردیبهشت ۱۳۳۷

سفر از بودلر ، ماهنامه اندیشه و هنر ، شهریور ۱۳۳۷

بررسی و نقد ادبی

آندره ژید و ادبیات فارسی (نمونه ای از تحقیق جدید بشیوه اروپائیان - نخستین اثر علمی به فارسی در زمینه ادبیات تطبیقی ایران و فرانسه) تهران ۱۳۴۹

از رمانتیسم تا سوررئالیسم بررسی یک قرن شعر فرانسه ، سال ۱۳۳۶ (نایاب)

بنیاد شعر نو در فرانسه

در این کتاب پیوند شیوه نوین شاعری نیما یوشیج با شعر فرانسه برای اولین بار بررسی شده است . به همراه ۱۶۰ قطعه شعر از سی شاعر فرانسوی

ترجمه شاعرانه

مائده های زمینی و مائده های تازه اثر آنره ژید (با ۸۰ صفحه مقدمه و حاشیه در ۳۲۰ صفحه) چاپ اول ، سال ۱۳۳۴

مائده های زمینی و مائده های تازه ، چاپ دوم ، بمناسبت صدمین سال تولد نویسنده با اشاره به سرچشمه های اصلی الهام ژید در ادبیات فارسی (ترجمه و مقدمه و حواشی در ۴۱۰ صفحه ، سال ۱۳۴۷ ، چاپ سوم ۱۳۵۰)

ترجمه شاهکارها

سکه سازان ، اثر آندره ژید (با ۲۴ صفحه مقدمه و حاشیه در ۴۲۸ صفحه) چاپ اول ، سال ۱۳۳۵ (نایاب)

سکه سازان ، چاپ دوم (با افزوده های بسیار در ۶۷۶ صفحه) ، سال ۱۳۴۹

آلیس در سرزمین عجایب (متن کامل) اثر لوئیس کارول ، چاپ اول ، سال ۱۳۳۸ ، چاپ دوم ۱۳۵۰



ترجمه های دیگر

همسران هنرمندان اثر آلفونس دوده (برای آگاهی و روشن بینی هنرمندانی که آرزو دارند همسری هنرشناس بیابند و دخترانی که آرزو دارند همسر مردی هنرمند شوند) ، چاپ اول ، سال ۱۳۳۴

افسانه های افریقائی از : ژیزل والر ، چاپ اول ۱۳۳۸ (نایاب)

دو نمایشنامه

شام طولانی کریسمس از ثورنتون وایلد ، اردیبهشت ۱۳۳۳ ، مجله سخن

... **کتک خورده و راضی** اولین اثر ترجمه شده به فارسی از کاسونا ، چاپ دوم ۱۳۵۰

گوناگون

کتاب شما شماره اول : اردیبهشت ۱۳۳۶ (نایاب)

شناساندن نویسندگان جهان ، معرفی دهها تن از نویسندگان نامدار جهان در مطبوعات ماهانه وهفتگی تهران از منابع عربی و فرانسه (از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲)

[... باقی تکراری]

بزیان فرانسه

آندره ژید و ادبیات فارسی ، ژورنال دوتهران ، شماره ۶۴۵۶ ، سوم بهمن ۱۳۳۶ ، ص ۳
مولوی و هانری دورن یه ، ژورنال دو تهران ، شماره ۶۸۰۵ ، ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ ، ص ۵
آندره ژید و ادبیات فارسی (سخنرانی درکنگره ژید بسال ۱۹۶۴ م) در کتاب :
گفت و شنود درباره ژید ، چاپ پاریس ، سال ۱۹۶۷ م ، ص ۱۷۵ تا ۱۸۰

چگونه ممکن است ایرانی نبود ؟ ، ژورنال دوتهران ، شماره ۵ هزارم ، هفتم بهمن ۱۳۴۷ ، ص ۹

صدسال پیش ژید زاده شد ، ژورنال دو تهران ، شماره ۱۰۲۴۹ ، اول آذرماه ۱۳۴۸ ، ص ۵



انتشار خواهد یافت

بررسی تاثیر ادبیات فارسی در آثار آندره ژید ، پایان نامه دکتري دانشگاه پاریس ، در ۲۰۰ ص

* دفتر اندیشه های خام + چهل شعر آسان (بررسی چند نکته فلسفی و اجتماعی)

* زورق مست (از رمبو) + سفر (از بودلر) با مقدمه ای درباره امکانات ترجمه به شعر فارسی (

* خودکشی (بررسی شاعرانه مساله از روبرو و کوششی برای بیهوده جلو دادن آن)

از دفترهای جدید ایرانشناسی

* اورلیا همزاد غربی بوف کور هدایت (از ژرار دو نروال تا صادق هدایت)

* سفری در رکاب اندیشه (از جامی تا آراگن)

* رقص الغبا (الهام بخشی خط فارسی)

* (سنجش ادبیات ایران با ادبیات دیگران)

(بررسی بنیادهای نظری و شیوه های عملی در ادبیات تطبیقی = ادبیات تطبیقی در خدمت ادبیات فارسی)
[بنظر می رسد که نویسندۀ این دو کارنامهء زندگی وادبی ، خود هنرمندی باشد . و به سال ۱۳۵۰ قطع
می گردند . برآنانی که باو نزدیک بودند و با دنباله آشنائی داشتند و دارند است دنباله ها را آوردن- م.ا.]



چون از آسمان گسیختم
" گاندی " روی از من تافت
و چون به آسمان گریختم
" ژید " چهره بر من ترش کرد
اما چون به " انسان " روی آوردم ژید و گاندی هر دو بر من لبخند زدند .

" ازدفتر شعرهای آسان "

شعر

در شعر من که رقص امیدست و بیم مرگ
در شعر من که زمزمه انتظارات است
بس دردها که خفته در آغوش هر سرود
بس رنجها که همسفر یادگاری است
شعر منست همهء گنگ سایه ها
شعر منست اشک سپید ستارگان
شعر منست نالهء درد و سرود رنج
شعر منست قصهء یاران بی نشان
شعر منست زادهء شبهای پر امید
شعر منست سایهء از یاد رفتگان
شعر منست جلوهء آینده های دور :
رخ در حجاب تیرهء شبها نهفتگان
شعر منست خندهء مهر آفرین صبح
شعر منست بوسهء بدرود نیمه شب
شعر من آن سرود دلاویز زندگیست



کز بیم ناشناس نمی آرمش بلب
تا دل بمهر هرکه سپردم ، زمن گریخت ...
بیگانه ماندم از همه ، ای آشنای من
زین پس دلم به مهرتو درسینه می تپد
ای شعر ، ای سرود غم دیرپای من
تهران- ۱۹ فروردین ۲۴

نامراد

مرگ برمن که زنده ماندم باز
مرگ برمن که مرگ درمن مرد
بس که بیگانه ماندم از مردن
مرگ هم جان زدست من در برد

کاش هر " بیت " ریسمانی بود
تا گلویم بخویش بفشارد
تامگر رقص نامرادیها
بیش از اینم دگر نیازارد

هرسخن ، کاش ، سرب داغی بود
تا بدان داغ ، سینه ام می سوخت
کاش هر " حرف " سوزنی میشد
تالبان مرا بهم می دوخت



رقص جادوئی سخن دیدم
باختم دل بجزبهء پندار
هرشبم دیدگان رویائی
تاسحر محو جلوهء دیدار
با دو همزاد جاودان پیوند
خواستاران بوسهء لبها
بادو همدرد جاودان دیدار
رازداران قصهء شبها

آتشین میخهای جادوئی
کوفت هرشب به صفحهء مغزم
بانگ رنگینی از میان بر خاست
تا برآمد ترانهء نغم
کاش هر بیت ، ریسمانی بود
تا گلویم به خویش بفشارد
تا مگر رقص نامرادیها
بیش از اینم دگر نیازارد
تهران - ۲۶/۴/۱۱



همچون پرنده ای که بهم بشکند قفس
ره جسته ام بسوی افقهای دوردست
پاریس ! من بسوی تو آیم ز راه دور
با توسته ای زرنج و غم شکست

فرسود جانم از این تنگنای شوم
آنجا نوید زندگی تازه میدهند
زنگ ملال از دل عشاق می برند
در جام عشق باده باندازه میدهند

شب ، چادر سیاه فرو می کشد ز روی
بشکفته بر لبان افق نوشخند روز
وان شعله ها که دردل تاریکی ام دوید
بار دگر شراره زند گرم و سینه سوز
من دوستار پرتو خورشید روشنم
چون سایه میدوم همه دنبال آفتاب
دیربست شرق مانده به تاریکی سیاه
زین پس بسوی غرب شتاب آورم ، شتاب

مادر ، گذشتم از تو و بگذر زمن ، که من
بگریختم ز خویش و بمرد آرزو مرا
آن رهنورد خانه بدوشم که سرنوشت
در خوابگاه گور کند جستجو مرا



[بدون مکان و تاریخ]

آفتاب بیمار

مرا به شرق برید

به آبهای مقدس ، به چشمهء جادو

به شهر کودکی خفته در غبار زمان

ز سایه های گریزنده ، رنگ بزدائید

- به پیشگاه بلند آفتاب بخشنده -

که هرچه هست به هرجای شرق و غرب ازوست

مرا به شرق ، به شرق فسانه ساز برید

مرا به باغ سحرگاه میهمان سازید

نسیم را به پرستاری ام برانگیزید

که آفتاب در این شهر زرد و بیمار ست

که من زغربت دیرآشنا گریزانم

پاریس - شهریور ۴۶

آنسوی مرزها



آنسوی مرزها ،
پیغام تازه نیست
خورشید جیره بندیست
مردم بهار را
در شیشه های کاغذی کارخانه ها
تصویر بسته اند
و شهرهای دوستی بی دوامشان
ویرانه تر زخانهء مشرق زمینیان ...

*

تا مرز آشتی
هز سو کشیده اند
- اما چه بی دوام -
پلهای کاغذین
دست تو ، قلب تو به پیشیزی نمی خرد
وزآن صلیبهای طلا معجزی مخواه
شب روشن است لیک نسیمی نمی وزد
آه ای سیاه چشم
در من طلوع کن !
پاریس [بدون تاریخ]

لومومیا



من نالهء تو می شنوم در خروج موج
من شکوهء تو می شنوم در غریو باد
چشم دلم بمرگ سیاه تو خون گریست
ای بیتو روی هرچه پلیدان سیاه باد

تا نام پرغرور تو در گوش من نشست
ای بس دلم بیاد تو هرجا تپیده بود
من نیز باتو الفت دیرینه داشتم
هرچند چشم من ز تو نقشی ندیده بود

من با تو بمرگ سپردم هزاربار
آنجا که نقدهستی من بود گرو
آری ز درد و داغ تو بیگانه نیستم
ای کشتهء تو در کف بدسیرتان درو

دلها زچرهء سیهت روشنی گرفت
جانها بمهر پاک تو پیوند بسته بود
قرنی بخواب مرگ فرو رفته بود لیک
چشم ستارگان همه درخون تو نشسته بود

گیرم هزار همچو ترا ناپدید کرد
دستان خونفشان پلیدان نابکار
گیرم هزارها چوتو بردارکشید
اندیشهء تو نیز تواند کشد بدار ؟



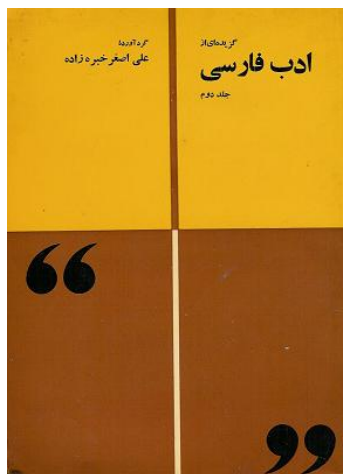
خشم است و بانگ نفرت بیگانه پروری
در شعرمن که رنج سیاهش نشانه است
تنها سخن بکار نیاید که تیغ تیز
درمان گذار زخم پلید زمانه است
تهران - ۲۸/۱۱/۳۹

دو شعر از :
حسن
هنرمندی

۱ - پیکار از دو سو (به نقل از : گزیده ای از
ادب فارسی ، گردآوردهء علی اصغر خیره
زاده ، جلد دوم ، انتشارات زمان ، چاپ اول ،
چاپ اول ، تهران ۱۳۵۲ ، صص ۸ - ۲۴۷) .
۲ - زمزمه هائی در کنار رود " سن " (به
نقل از : فردوسی ، شمارهء ۱۱۳۹ ، سال ۲۵
، ۲۸ آبان ۱۳۵۲ ، ص ۲۱) .

... واین بار حسن هنرمندی ست که می رود - آنهم چه
رفتنی !

رفتن در "برنامهء " کا ر هریک ازماست . اما اینگونه رفتن (در غربت و غریب و در تنهائی ترین تنهائی ها بودن و در فقر بزرگ مردن) دردانگیزست و قلب بیمارم را به شدت بدرد آورد - به ویژه آنکه ، خودنیز ، رفتن عزیزی را در شرایط مشابه ، چندی پیش به چشم دیدم . اوحتی غریبانه تر رفت وتابه امروز ، کسی یادی ازاونکرد (علیرغم آنکه زحمت های بسیاری در دنیای ادب و سیاست - ایران



بیکار از دو سو

تیغم بدل شکسته ولی از کدام خصم ؟
زخمم بجان نشسته ولی در کدام جنگ ؟
درمن غریو بی ثمری شعله می کشد .

ما درنبرد خصم
با دشنه ای نئین
پیکار کرده ایم .

مارا بکف جز این نی دشمن ستیز نه



وان نیز ایدریغ
لبریز عقده های فرومانده در گلو
حتی شکایتی
حتی حکایتی ز جدائی نمی کند .
*

اما دراین نبرد
تنها زدشمنان
ترسان نبوده ایم
با ماهراس دوست نمایان چریدست
وینان ، به ننگ روسپیان مانده پای بست
آگاه تر که مایهء پیکارما زچپست
درگرماگرم کشمکش هستی آزما
ناگاه از قفا
بادشنه های آخته برما جهیده اند
*

پیکار ازدوسو
دشوار حالتی ست
*

تیغم بدل شکسته ولی از کدام خصم ؟
زخمم بجان نشسته ولی در کدام جنگ ؟
*

ما درنبرد بی ثمری جان سپرده ایم .
تهران - شب ۴/۱۹



غیبت شاعرانه

● مدتها بود که اژده کثر

حسن هنرمندی خبری
نداشتیم تا این اواخر که بی
خبر پیدایش شد و معلوم
شد از تابستان سال گذشته
تا کنون بیش از یکسال در
زادگاه «زیده» پس می‌برده و
سرانجام پس از تحقیقات
منصل درباره تأثیر ادبیات
فارسی در ادبیات قرن
یستم فراقسه به ایران باز
گشته است و ناچندی دیگر
حاصل این تحقیقات را از
او خواهیم خواند. دکتر
هنرمندی می‌گوید این بار
دبخته تأثیر ادبیات فارسی
را در آثار نویسندگان و
شاعران برجسته‌ای نظیر
«مون ترلان» و «آراگون»
به تفصیل بررسی کرده‌ام و
بدقت شان داده‌ام که مفهوم
درست ادبیات تطبیقی برای
کتودی نظیر ایران که حداقل
من ارسال ادبیات زنده در این
دربوسی چه؟ او در این
زمینه حس‌نهای مفصل و
تازه‌ای را عنوان می‌کند که
امید داریم حاصل آنرا
بزودی در این صفحات
منتظر می‌بینیم.

ایست که گرچه بیشتر دو
بیش هالمن ناشقانمدارد
معدنك نارضائی شاعری از
محیط غرب در آنها کاملاً
میسوس است.

زمره هائی در کنار رود «سن» از دکتر حسن هنرمندی

۱
لبت بود و هزاران بوسه تو
لبم بود و سرودمستی آور
دلیم بیزار شد از هر چه تکرار
مگر زان لب، از آن قند مگر

۲
چه آتشها که در تالم نمی‌برد
چه توغماها به فرآیه نمی‌برد
کجا می‌ساخت قلبی گشاهی
که هر شب تاسی خواهیم نمی‌برد

۳
گفتم زان خیال سرکش خام
فروستم لب از هر گونه پیغام
ولی مرث بگوشه زده‌آید
که از آن می‌روزی سرانجام

۴
توازم لذتی بی‌تام خواهی
شب مهتاب و طرف بام خواهی
در آن مهتاب شب پرستری نرم
بگویم یا نگویم؟.. کام خواهی!

۵
صیه چشم من ای زیبای دلخواه
تو بامن هم‌دل من با تو هم‌راه
بیا با سفر بشنیم از این شهر
توده زامی شناسی من زده از جاه

فعالیت شاعرانه
هنرمندی نیز جانی جداگانه
دارد از شعر در قالب‌های
فیمائی و حتی قزل (برای
اولین بار) در بیتی که هم
اکنون نمونه عالی آنرا
می‌خوانیم:
(نکته قابل تأمل

